

نقش مطبوعات کودک و نوجوان در نظام آموزشی

اشاره ۱:

در حاشیه نوزدهمین نمایشگاه کتاب امسال، نشست‌هایی تخصصی، با موضوعات مختلفی در حیطه ادبیات کودک و نوجوان برگزار شد. مطلبی که در ادامه می‌خوانید، حاصل یکی از این نشست‌هاست که با توجه به اهمیت موضوع آن، علی‌رغم این که ارتباطی با نشست‌های تخصصی کتاب ماه کودک و نوجوان ندارد، در سرویس فرهنگ عمومی و با عنوان نشست تخصصی، به چاپ رسیده است. در این نشست جواد محقق، شاعر و سردبیر مجله رشد، محمدعلی شامانی، نویسنده کودک و نوجوان، روزنامه‌نگار و مدرس تربیت معلم و نیز مرتضی مجدفر، مدیرمسئول مجلات رشد، به عنوان مهمان حضور داشتند. از آقای مهدی کاموس، به خاطر فراهم کردن متن این نشست سپاسگزاریم.

اشاره ۲:

در نظام آموزشی، نشریات آموزشی جایگاه ویژه‌ای دارند؛ به گونه‌ای که بسیاری از کارشناسان، نشریات آموزشی را مکمل آموزش‌های رسمی می‌دانند. در کشور ما نیز ده‌ها نشریه آموزشی با شمارگان بالا منتشر می‌شود که در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد، اما واقعیت این است که در حوزه کودک و نوجوان، آموزش منحصر به نشریات آموزشی نیست و با توجه به جنبه‌های زبان‌آموزی، علم‌آموزی و مهارت‌آموزی کودک و نوجوان، همه نشریات و مطبوعات کودک و نوجوان، در امر آموزش سهیم‌اند.

بنابراین، نقش همه مطبوعات کودک و نوجوان در نظام آموزشی کشور، به ویژه آموزش غیررسمی، حائز اهمیت است.

نشست «نقش مطبوعات کودک و نوجوان در نظام آموزشی»، با حضور برخی از مسئولان نشریات آموزشی کشور و شاعران و نویسندگان کودک و نوجوان، به بررسی وضعیت و نقش مطبوعات کودک و نوجوان در نظام آموزشی کشورمان پرداخته است.

جواد محقق: یکی از کارکردهای جدی مطبوعات کودک و نوجوان، تعمیق آموزش‌های رسمی است. نظام‌های آموزشی، باتوجه به ساعات محدود آن‌ها در برنامه درسی، فرصت‌های زیادی برای پرداختن به موارد دیگر پیدا نمی‌کنند. آموزش‌های رسمی، از پاسخ دادن به همه نیازهای مخاطبان خود ناتوان است و به دلیل نوع برنامه‌ریزی‌های درسی که ما داریم و باتوجه به تغییراتی که در حوزه‌های مختلف اتفاق می‌افتد، امکان پرداختن به آن‌ها در اختیار معلم یا دانش‌آموز قرار نمی‌گیرد. به همین دلیل، نیازمند فضای دیگری هستیم که در آن فضاها با رغبت و انگیزه بیشتری به نیازها پاسخ دهیم.

ممکن است در کلاس، فرصت کافی برای پرداختن به تمرین‌ها نداشته باشیم، اما این امر در مطبوعات به راحتی امکان‌پذیر است. یک نکته را درباره مجلات رشد توضیح دهم و آن اعتراضی است که بعضی مخاطبان داشته‌اند که شما به کتاب‌های درسی و مطالب درسی خیلی کم می‌پردازید. عرض کنم که مجلات رشد، مجلات کمک درسی نیستند؛ کمک آموزشی‌اند. درواقع، ما باید به نوعی بخشی از کمبودها و جاهای خالی آموزشی رسمی را پر کنیم. ما باید براساس برنامه درسی، مخاطبان را از زاویه‌های متفاوت پوشش بدهیم. البته، کنکورزدگی متأسفانه این نیاز را در مخاطبان ما پدید آورده که ما هم باید به مطالب کمک درسی بپردازیم. مجموعه کارهای خلاق ما در مدرسه، عمدتاً در حوزه ادبیات و در زنگ انشا خلاصه می‌شود. اگر دقت کنید، چهره‌های خلاق و شاخص ادبی کشورمان، هیچ کدام محصول سیستم‌های رسمی آموزش و پرورش نبوده‌اند.

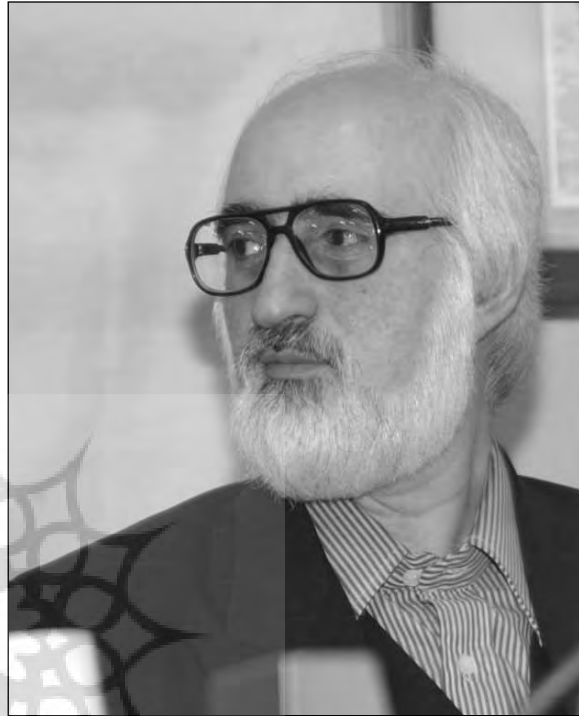
به همین دلیل، آموزش‌های رسمی ما این فرصت را به وجود نمی‌آورند و رشته‌ها و موضوعات درسی ما در دانشگاه‌ها هم هرگز چهره‌های شاخص آن رشته را پرورش نمی‌دهند.

شامانی: حضور رسانه‌ها در عصر ارتباطات، به قدری پررنگ است که به جرأت می‌توان گفت نظام تعلیم و تربیت رسمی را تحت تأثیر خودش قرار می‌دهد و در یک حوزه پنهانی ما آموزش‌های دیگری شکل می‌گیرد. امروز هم یکی از چالش‌های آموزش و پرورش در همه جای دنیا، همین مسئله است یک نزاع پنهان بین ما و رسانه‌ها وجود دارد و رسانه‌ها به راحتی در مقابل آموزش و پرورش می‌ایستند. یکی از پدیده‌هایی که در این حضور فراگیر رسانه‌ها اتفاق افتاده، آن است که بچه‌ها به شدت تصویرگرا می‌شوند و کم‌تر مجال یادگیری دارند. از جمله رسانه‌هایی که می‌تواند در آموزش و پرورش ایفای نقش کند، نشریات کمک آموزشی است

نشریات کمک آموزشی، علاوه بر نقش تفریحی و سرگرم‌کننده‌ای که دارند، یک نقش جدی هم دارند و آن نقش تشریحی آن‌هاست. نکته دوم بی‌رغبتی شدید بچه‌ها به مطالعه است. نرخ مطالعه در ایران بسیار پایین است. رسانه‌هایی که ما امروز به عنوان رسانه‌های آموزشی با آن روبه‌رو هستیم، اگر قبلاً توسط مدرسه شناخته نشده باشند، طبیعتاً بی‌اثر می‌شوند. همه این‌ها در گرو آن است که مدرسه برای برانگیختن دانش‌آموزان به مطالعه کار کند. وقتی بچه بتواند با نشریات از کودکی انس بگیرد، این زمینه‌ای می‌شود تا در دوره ابتدایی و راهنمایی، به طور جدی کتاب‌خواند.

مجدفر: ما برای مطبوعات که شامل مطبوعات کودک و نوجوان هم می‌شود، چهار نقش قابل هستیم: نقش تحلیلی و اطلاع‌رسانی، آموزشی، تبلیغات و سرگرمی و تفریح.

در زمینه ارتباط این نشریات و آموزش و پرورش، از بین این چهار نقش، نقش آموزشی پررنگ می‌شود. در حالی که اگر بخواهیم نشریه ورزشی را مطرح کنیم، بیشتر نقش تفریحی و سرگرمی دارد. بنابراین، وقتی نشریات کودک و نوجوان را مطرح می‌کنیم، بعد آموزش مطرح می‌شود. کدام آموزش؟ آموزش رسمی یا غیررسمی؟ هم‌اکنون پنجاه و دو عنوان نشریه در کشور منتشر می‌شود که می‌توان به آن‌ها گفت نشریات ویژه دانش‌آموزان. این نشریات می‌توانند در زمینه رشد دانستن‌ها و گسترش ظرفیت آموزشی دانش‌آموزان نقش بسیار مهمی ایفا کنند و یا مثل مابقی نشریات کم داشته باشند. وقتی صحبت از نظام آموزشی می‌شود، بلافاصله آن چیزهایی که ما در آموزش و پرورش، به دنبال انتقال آنها هستیم، به ذهن می‌آید. این دیدگاه



که کتاب درسی محور شود، در دنیا از بین رفته است و در بسیاری کشورها، به جای کتاب درسی، برنامه درسی را مطرح می کنند. امروز وقتی به برنامه درسی نگاه می کنیم، کتاب درسی گوشه کوچکی را به خود اختصاص می دهد و بخش قابل توجهی در اختیار مطبوعات آموزشی قرار می گیرد.

اگر امروز کتاب های درسی دوره ابتدایی را ببینید، در پایان کتاب درسی، کتاب های آموزشی به دانش آموزان معرفی می شود. می خواهد به دانش آموزان بگوید این کتابی که تو می خوانی، دنیا و عالم در این کتاب خلاصه نشده. اگر ما بتوانیم از بین نشریاتی که منتشر می شوند، نشریات مناسب به دانش آموز معرفی کنیم، خیلی خوب خواهد شد.

کاموس: آموزش غیررسمی اگر از سوی آموزش و پرورش جدی گرفته شود، چندان رغبتی برای دانش آموزان ایجاد نمی شود. متولی آموزش در کشور ما، حتماً باید این آموزش غیررسمی را به رسمیت بشناسد تا بتواند نقش واقعی اش را ایفا کند.

شامانی: نظام آموزش رسمی ما باید پرسش هایی جدی داشته باشد که بیرون از حوزه آموزش و پرورش، به آن ها جواب داده شود. یکی از وظایف عمده آموزش و پرورش این است که مفاهیم بلند را ساده و ایجاد پرسش کند و اجازه دهد بچه ها با ذهن خلاق شان،

پاسخ را پیدا کنند. ما باید بدانیم که در نظام آموزش و پرورش، دیگر انتقال دهنده نیستیم. ما نمی توانیم مفاهیم را نهادینه کنیم. فقط می توانیم سؤال ایجاد کنیم. باید بدانیم که این خواست تزریقی نیست و اگر تحمیل در کار باشد، بچه ها می گیرند.

کاموس: چرا بخش هایی که در نشریات غیرآموزش و پرورش، به آموزش غیررسمی می پردازند، از سوی آموزش و پرورش جدی تلقی نمی شوند؟

مجدفر: درباره آن چهارنقشی که اشاره شد، باید گفت اگر ما بخواهیم مطبوعات کودک و نوجوان بیشتر نمود پیدا کند، باید در پی تلفیق آن نقش ها با هم باشیم.

شامانی: ما از سال ها پیش، طرح سامان بخشیدن به کتاب های آموزشی را شروع کردیم؛ یعنی کتاب های خوب آموزشی را شناسایی کردیم و به مؤلفان آن جایزه دادیم و در پایان کتاب های درسی هم این کتاب ها را معرفی کردیم. ما طرحی را شروع کردیم برای حمایت از نشریات که کارهای مطالعاتی اولیه اش انجام شده. گفتیم هر کدام از این نشریات به استانداردهای موردنظر ما نزدیک تر بود، ما به آن ها با اطلاق نشریه کمک آموزشی، اجازه ورود می دهیم و حتی در جشنواره معرفی شان می کنیم.

محقق: ما تقریباً با سی و پنج نفر از دست اندرکاران مجلات کودک و نوجوان گفت و گو کردیم تا ببینیم به چه شیوه هایی می توانیم از آن ها حمایت کنیم و به مدارس مان راه دهیم. درباره این که چرا غیر از مجلات رشد، مجلات دیگر در مدارس حضور پیدا نمی کنند، بحث زیادی در این زمینه بوده. من معتقدم در شرایط فعلی، منعی برای ورود این مجلات به مدارس نیست، اما از آن جا که مخاطبان این مجلات، خیلی در مدارس محدود و مجموعه این آدم ها تعدادشان کم است و از طرفی، مجلاتی که امروز برای کودکان و نوجوانان منتشر می شود، به غیر

جواد محقق:

آموزش های رسمی، از پاسخ دادن به همه نیازهای مخاطبان خود ناتوان است و به دلیل نوع برنامه ریزی های درسی که ما داریم و باتوجه به تغییراتی که در حوزه های مختلف اتفاق می افتد، امکان پرداختن به آن ها در اختیار معلم یا دانش آموز قرار نمی گیرد.



از رشد، تعدادشان خیلی کم است، اگر بخواهیم این مجلات را به مدرسه‌ها راه بدهیم، باتوجه به این که ما ۱۳۵ هزار مدرسه داریم، یک مرتبه این مجلات باید تیراژ ۱۰ تا ۱۲ هزار تا را به ۱۳۵ هزار برسانند. آیا در مؤسسات‌شان امکان چنین کاری برای‌شان وجود دارد؟ مشکل این مجلات، عدم حضور در مدارس نیست. نکته این‌جاست که به دلیل تیراژ پایین، بسیاری از این مجلات حتی در دهکده‌ها وجود ندارد.

نکته دیگر این که نباید مجلات رشد را با رویکرد کتاب‌درسی و برنامه آموزش‌های رسمی ببینیم. حالا اگر ما مجلات دیگر را به این استانداردها نزدیک کنیم، معنی‌اش این است که آن‌ها را به آموزش‌های رسمی نزدیک کرده‌ایم. مجلات رشد از این آموزش‌های رسمی فرار کرده. مجلات را باید به سمتی برد که آموزش‌های رسمی ما را گسترش دهد، اما نه به سبک و سیاق موجود

باباوند: اگر آموزش و پرورش، استانداردهایی تدوین کند که مجلات با کدام معیار قرار است سنجیده شوند، این خود نشریات هستند که می‌توانند تصمیم بگیرند که در این معیارها بگنجد یا نه و آن وقت، آموزش و پرورش هم می‌تواند تصمیم دهد که اگر این نشریه در معیار ما گنجد، آن را می‌فرستیم به سیستم آموزشی و اگر نگنجد، نمی‌فرستیم.

به نظر می‌آید که قبل از هرچیز باید استانداردها روشن باشد. اما سیستم آموزشی یک چیز است و استفاده از آموزشگاه‌ها مسئله‌ای دیگر. اگر سردبیری خواست نشریه‌اش را داخل مدارس توزیع کند، اگر سیستم توزیع در اختیارش باشد، آن وقت می‌تواند تصمیم بگیرد که تیراژش را بالا ببرد. مسئله دیگر حضور نشریات زرد در حیطة کودک و نوجوان است. فراوان داریم نشریه‌ای که فاقد ادبیات مناسب باشد. بنابراین، بحث درباره نشریات زرد و این که کدام نشریه باید به مدارس برود و کدام نشریه نباید برود، ما را به جایی نمی‌تواند برساند. باید استانداردها مشخص بشد

شامانی: وقتی نشریه‌ای زبان معیار را به هم می‌ریزد، قطعاً یک نشریه زرد است. تصویرگری آموزشی یک نشریه، با تصویرگری غیرآموزشی متفاوت است. امروز ۶۵۰ نفر در نشریات رشد قلم می‌زنند که اکثراً PHD دارند و متخصص هستند. مردم به آموزش و پرورش اعتماد دارند. اگر نشریه‌ای خواندنی باشد، وارد مدارس می‌شود. رشد یک پیشینه تاریخی دارد و روی آن کار پژوهشی شده. هر نشریه‌ای که بتواند به استانداردهای آموزشی نزدیک شود، تبلیغش می‌کنیم، حمایتش می‌کنیم و راه ورودش به مدرسه را هموار می‌سازیم. همین‌جا اعلام می‌کنم که برای قلم زدن در نشریه رشد، هیچ محدودیتی نیست. هرکس نویسنده خوبی باشد، دستش را می‌بوسیم. این مجموعه‌ای که امروز می‌بینید، محصول تلاش آدم‌های بسیاری است که سال‌ها برایش زحمت کشیده‌اند...

کاموس: نکته این‌جاست که ما در مدارس و در دست بچه‌ها نشریه مثلاً دوست یا کیهان بچه‌ها و سروش را می‌بینیم، اما من تا به حال دست هیچ یک از بچه‌ها نشریه رشد را ندیده‌ام.

چرا؟ این استانداردهایی که شما گفتید، با چه معیاری سنجیده می‌شود؟
شامانی: برای این نشریه واقعاً تلاش شده. امروز دغدغه رهبر و ریاست جمهوری، زبان معیار است که نشانه هویت ماست.

محقق: مجموعه چهره‌های جوان کشور را در عرصه شعر و ادبیات که نگاه کنید، می‌بینید در طول این ۳۰ سال اخیر، همه از اردوهای شعر و قصه دانش‌آموزی درآمده‌اند. چه طور می‌توانیم بگوییم نشریات رشد تأثیر نداشته؟!

مجدفر: ما در تهران، بعضی مناطق مرفه داریم، مثل منطقه ۳. در مدارس این منطقه، فقط ۳۰۰ مجله رشد فروخته می‌شود. در حالی که وقتی به شهرستان ایذه و یا مسجدسلیمان رفتیم، دیدیم در تمام مدارس ایذه در برنامه هفتگی شان زنگ رشد دارند و چون شهر محروم است، همه دانش‌آموزان نمی‌توانند رشد بخرند. مدرسه برنامه‌ریزی کرده برای هر کلاسی شش تا می‌خرند. آن‌ها هم این شش تا مجله را بین بچه‌ها دست به دست می‌کنند. ما در تهران نشریات مختلف داریم، اما در بعضی شهرستان‌ها تنها نشریه خواندنی در مدارس، فقط نشریات رشد است.

دکتر عباسپور: تصور این است که باید بین سه مقوله تمایزی ایجاد کرد. مقوله اول، نقش انحصاری و رقابتی در صحنه سیستم‌های آموزشی است. انتظار می‌رود که شرایط گذر از تولید انبوه، به سمت تولید متنوع به تدریج فراهم شود. این خواست همگانی است. نکته دوم این که شرایط مناسب برای نظام‌های آموزشی، مراقبت جدی از جایگاه سیاست‌گذاری شده است. نکته سوم این که به هر حال نمی‌توانیم جلوی خلاقیت‌ها و قابلیت‌های مجلات به اصطلاح زرد را بگیریم. در این صورت، صحنه مطبوعات رقابت سرسختانه‌ای را با سیستم آموزشی امروز تجربه می‌کند. بنابراین و در این شرایط، توجه صرف به معیارها نمی‌تواند کفایت کند. خوشبختانه آموزش و پرورش طی سال‌های گذشته، رشد قابل توجهی داشته، اما این رشد به گونه‌ای باید هدایت شود که بتواند در چارچوب‌های متنوعی که موردنظر است، زمینه بروز و شکوفایی نبوغ و خلاقیت را فراهم سازد.

محمود حکیمی: آقای شامانی گفتند نشریات رشد انحصاری نیست، اما حتی یک بار از نشریه رشد تاریخ نیامدند بپرسد که این مجموعه بیست و دو جلدی تاریخ تمدن چیست و شما برای نوجوانان چه می‌نویسید؟

شامانی: جناب استاد حکیمی، کار شما در فهرست ما در سایت سامان کتاب و برنامه اطلاع‌رسانی رشد معرفی شده. ما می‌دانیم که هنوز چالشی جدی بین آموزش پرورش رسمی و غیررسمی وجود دارد که باید به آن بپردازیم. امیدوارم همه بتوانیم برای توسعه سواد خواندن در این کشور، مواد خواندنی مناسب تولید کنیم، بچه‌های ما باید بتوانند کارهای خوب را خودشان انتخاب‌کنند.

محقق: در پی سؤال آقای حکیمی، باید گفت که ما هم می‌دانیم متأسفانه چهره‌های شاخص آموزش و پرورش، در خود آموزش و پرورش غریب‌تر از بیرون هستند و بسیاری از چهره‌های آموزش و پرورش را در خیلی جاها می‌شناسند، اما خود آموزش و پرورش کم‌تر آن‌ها را می‌شناسد.

کاموس: با سپاس از دوستان حاضر در جلسه، بحث آموزش یک حرکت ملی است و امید است که در پیوند آموزش رسمی و غیررسمی، بتوانیم آموزش را به شکل پیشرو برای نسل آینده و نسل حاضر انجام دهیم.

